

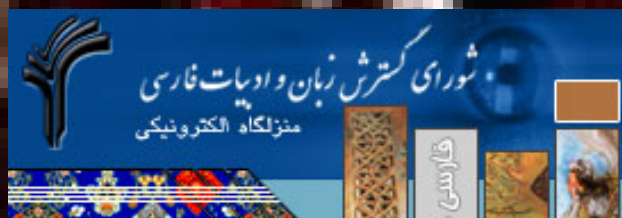


گاه روزانه های دیروز ... و امروز

محمد ایل بیگی

۱۵۱

گفتگوی علی لطفی با محسن میرزائی: درباره تاریخچه قزاقخانه و قزاق ها



<http://www.persian-language.org>

درباره تاریخچه قزاقخانه و قزاق ها

از: علی لطفی

با محسن میرزایی

برگرفته از: کتاب هفته، شماره ۱۸۷

ناصرالدین شاه وقتی از سفر دوم فرنگ در سال ۱۲۹۶ هـ. ق به ایران بازگشت، به تقلید از تنظیمات قزاق روس، سازمان نظامی قزاقخانه را تشکیل داد و بریگاد (تیپ) و دیویزیون (لشکر) قزاق بیش از ۴۰ سال تنها نیروی نظامی نظم دیده ایران بود که نقش مؤثری در وقایع و تحولات این دوره داشته است. با کودتای ۱۲۹۹ هـ. ش رضا خان قزاق به سلطنت رسید و قزاقان مسئولیت های حساسی را در دولت، ارتش و سازمانهای اداری مملکت به دست آوردند. بنابراین نقش قزاق ها بعد از کودتا به شکل دیگری تداوم یافت. گرچه قزاقخانه در تحولات تاریخ معاصر ایران بسیار تأثیر گذار بوده، اما ابعاد مختلف این سازمان نظامی چنان که باید مورد بررسی قرار نگرفته است. محسن میرزایی برای اولین بار جمع آوری اسناد و عکس هایی درباره ی قزاقخانه و قزاق ها کتاب دو جلدی تاریخچه بریگاد و دیویزیون قزاق (از کلنل دوماننووویچ تا میرپنج رضاخان سوادکوهی) را توسط نشر علم منتشر کرده است که می تواند منشأ و شروع پژوهش ها و کارهای دیگری در این زمینه باشد. محسن میرزایی سال ۱۳۳۵ از دانشسرای عالی در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل شد و پس از آن دوره روزنامه نگاری را در روزنامه اطلاعات گذراند و سپس دوره چهار ساله تبلیغات تجارتي را در آمریکا به پایان برد. میرزایی حرفه اصلی اش تبلیغات تجاری است اما به خاطر علاقه به تاریخ در این حوزه می نویسد. سال ۱۳۵۴ مجموعه ۲۸ هزار روز

تاریخ ایران و جهان را با همکاری منصور تاراجی و مرحوم علی سفری تدوین کرد و پس از آن خاطرات ملیجک را منتشر کرد. میرزایی مدتی است که همراه منصور تاراجی تاریخ قرن بیستم را در روزنامه ایران می نویسد .

قزاق های پشت سیاق ها

« تاریخچه بریگاد و دیویزیون قزاق » تنها کتابی است که فقط به قزاقخانه و قزاق ها می پردازد. چطور شد که به تدوین این مجموعه پرداختید.

- حدود سال ۵۴ یا ۱۳۵۳ بود که یک سری اسناد قزاقخانه توسط یکی از آشنایان به دستم رسید؛ اسناد ناب و منحصر به فرد قزاقخانه. از همان روز به این فکر افتادم که آن ها را به صورت یک کتاب درآورم. اما این اسناد مواد خام بود و با سیاق نوشته شده بودو [سیاق برگرفته از خط عربی است. یعنی علائمی است که نوشته معادل عدد است و در دوره قاجار محاسبات را با سیاق می نوشتند] که در آن زمان خوشبختانه دو که نفر می توانستند سیاق بخوانند در قید حیات بودند؛ این اسناد را به آنها دادم تا کنترل کنند. از آن پس دنبال این بودم که هر عکس، مطلب و سندی را درباره ی قزاق ها جمع آوری کنم. در نتیجه اسنادی از جاهای مختلف به دست آوردم و این کتاب حاصل ۳۰ سال گردآوری اسناد است. اما هنوز هزاران سند در آرشیوهای روسیه دولت های رقیب روسیه مثل انگلستان وجود دارد و من تصورم این است که این تحقیق تازه باید شروع شود، چون متأسفانه جز یکی دو نفر کسی دیگر نمی تواند خط سیاق را بخواند. این یک فاجعه است که صدها هزار سند درباره قاجار وجود دارد اما در آینده کسی نباشد که آنها را بخواند. نهادهای فرهنگی وظیفه دارند عده ای را برای سیاق خوانی آماده کنند. هنوز بسیاری چیزها در باره ی قزاقخانه نامعلوم است و شنیده ام چندین صندوق از نوشته های ترجمه نشده کازاکوفسکی فرمانده قزاق وجود دارد. به هر حال قزاق ها ۴۰ سال در ایران بوده اند .

چرا تا امروز کسی به اسناد وقایع قزاق ها و قزاقخانه نپرداخته است؟

= از دوره ای که تحقیق در ایران مرسوم شد یعنی از سال ۱۳۰۰ هـ ش به بعد چون رضا خان قزاق بود نخواستند در دوره ی بیست ساله دیکتاتوری برای خودشان دردسر درست کنند، به همین دلیل متأسفانه

هیچ کاری در این مورد نکردند. تعدادی از افسران عالی رتبه قزاق هم مطالبی نوشتند، مربوط به آخر قزاقخانه است نه ترتیبات اولیه قزاقخانه .

شما در کتاب اشاره کرده اید که کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش آغاز دوران جدیدی از تداوم نقش قزاق هاست. نقش قزاق ها در دوره پیش از کودتا و پس از آن که مسؤولیت های حساسی داشتند چه تمایزی دارد؟

= قزاقخانه حدود ۴۰ سال در ایران دایر بود و دوره های مختلفی داشت اما هیچ دوره ای را نمی توان با دوره ی دیگر مقایسه کرد. مثلاً یک دوره، دوره ی جنگ جهانی است که روس ها می خواستند قزاقخانه را برای جلوگیری از عثمانی توسعه دهند و قزاقخانه هزار نفری به ۱۲ هزار تبدیل شد. قزاق آن دوره با قزاق دوره ناصرالدین شاه زمین تا آسمان فرق دارد. که ممکن است با دوره ی دیگر کاملاً مغایر باشد. قزاق های اولیه بازماندگان مهاجران ایرانی قفقاز در جنگ بیست و چند ساله ایران و روس بودند. در نتیجه ی این جنگ، ۱۷ شهر قفقاز از ایران جدا شد و عده زیادی از رزمندگان ایرانی که در قفقاز بودند، نخواستند زیر حکومت روس بمانند بنابراین به ایران مهاجرت کردند و چون در رکاب شاهزاده عباس میرزا جنگیده بودند، مورد حمایت شاهان قاجار قرار گرفتند. این دوره فتحعلی شاه بود یعنی نسل اول قزاق ها مربوط به این دوره است. در اینجا شاهان قاجار به آنها املاک دادند تا بتوانند مرفه زندگی کنند. بعد از سال ها که قزاق ها در دستگاه دولت و تحت حمایت دولت بودند، از شاه حقوق می گرفتند و خدماتی هم انجام می دادند، ناصرالدین شاه تصمیم گرفت که قزاق ها را جمع کند و تحت فرماندهی قزاق های روس یک هنگ تشکیل دهد .

به این ترتیب اولین هنگ به وسیله کلنل دومانتوویچ تشکیل شد که مهاجران اولیه بدنه آن بودند، مهاجرانی که دو خصیصه بارز وطن پرستی و تعصب شدید دینی داشتند. آنها بسیار روی مسائل دینی متعصب بودند، وقتی انگلیسی ها شایعه کردند که شرط شرکت در قزاقخانه بازگشت از اسلام و پذیرش دین مسیحیت است،

قزاق ها در حرم عبدالعظیم بست نشستند و گفتند دیگر نمی خواهیم به قزاقخانه برویم و ناصرالدین شاه با یک مشکل بزرگ مواجه شد. قزاق ها مسلمانند. قزاق ها بازمانده اردوی طلایی چنگیز هستند که در خاک روسیه بودند .

سؤال این بود که با توجه به آنچه شما هم در کتاب اشاره کرده اید، نقش قزاق ها پس از کودتا تداوم دارد. بنابراین آیا می

توان گفت چون بعد از کودتا یک قزاق شاه می شود و مقامات حساسی به قزاق ها می رسد، نقش آنها در این دوره پررنگتر می شود؟

پیش از آن قزاق ها فقط مجری و ضابط دادگستری بودند و گاهی هم مأموریت های جنگی داشتند. اما بعد، تمام وزارتخانه ها به دست آنها افتاد. یک قزاق شاه شد و یک قزاق سپهبد احمدی بود که وزیر جنگ و همه کاره بود. بیشتر پست های درجه یک ارتش را قزاق های قدیمی داشتند و حکومت دست نظامی ها بود، سپهبد زاهدی هم که بعدها کودتا کرد، یک قزاق بود .

قزاق ها در چه رویدادهایی نقش و تأثیر محوری و عمده ای داشته اند؟

- اولین نقش آنها وقتی بود که ناگهان ناصرالدین شاه ترور شد. اواخر دوره پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه مملکت به لحاظ ظاهری، آرام و روی نظم و ترتیب بود و با رفتن ناصرالدین شاه مقتدر و آمدن پادشاه ضعیفی مثل مظفرالدین شاه ممکن بود اتفاقات بسیاری بیفتد، امکان داشت حرکت هایی صورت گیرد، برادران شاه برخیزند و خونریزی شود اما کازاکوفسکی فرمانده قزاق با تدبیر اتابک توانستند این بحران را برطرف کنند. این کار بزرگی برای قزاق ها بود که از آن بهره برداری هم کردند. هر وقت اختلافی پیش می آمد، قزاق ها این کارشان را به رخ شاه می کشیدند، در واقع قزاق ها خودشان را تاج بخش می دانستند . به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط کلنل لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق در آن زمان، جنگ با مجاهدین تبریز و قزوین در عهد محمد علی شاه، حوادث خونین پارک اتابک، سرکوب قیام خیابانی در تبریز و نهضت جنگل در خیابان ار رویدادهایی است که بریگاد قزاق در آنها سرنوشت ساز و مؤثر بوده است .

با توجه به اینکه قزاق ها در رویدادهای مختلف مؤثر بوده اند و نقش مداومی در آن دوره داشته اند، چرا هیچ وقت وجهه ملی پیدا نکردند؟

قزاق ها در حقیقت فداییان شاه بودند و تا آخر هم آن را حفظ کردند. حتی خود رضاخان هم زمانی که کودتا کرد، هنوز طرفدار و نگهدارنده شاه بود و بعد از آن هوس به سرش افتاد. اصلاً رسالت آنها حفاظت از شاه بود. به طور کلی قزاق یعنی نگه دارنده تاج و تخت و بعد از کودتا هم وقتی سید ضیاء دستش را به کمرش می زد و به کاخ می رفت و به احمد شاه بی احترامی می کرد، رضاخان با کمال احترام و به عنوان بندگی و

غلامی رفتار می کرد. موقع به توپ بستند مجلس هم آنها دربست در خدمت شاه بودند. در واقع قزاق ها برای این کار تربیت شده بودند و نمی توانستند وجهه ملی پیدا کنند .

دوره ی چهل ساله قزاق ها چه فراز و فرودهایی داشته و چه سیری را طی کرده است؟

= قزاق ها در دوره ی ناصری و بعد از آن قوی و محترم بودند اما در دوره ی مشروطیت به خاطر دخالتشان علیه مشروطیت ضعیف شدند و محبوبیت خود را از دست دادند . ملت ایران هیچ وقت به قزاق ها گرایش نداشت چون آنها هم هیچ کار میهنی انجام ندادند .

قزاق ها با آن روحیه نظامی، شجاعت و یاغی گری به لحاظ فرهنگی و اجتماعی چه ویژگی هایی داشتند؟

= اصولاً قزاق ها خودشان را برتر می دانستند یعنی در قزاقخانه ارزش و اهمیت یک گروه بان قزاق بیشتر از یک سرهنگ ایرانی بود، آنها خودشان را اشراف می دانستند. کازاکوفسکی اشرافیت را از نظر قوانین قزاقخانه از بین برد اما به هر حال مهاجر، مهاجر بود و ایرانی، ایرانی. آنها که مهاجر بودند به طور طبیعی افسر می شدند .

آنها در واقع در ایران مأموریت سیاسی داشتند تا مقاصد روسیه را دنبال کنند .

= قزاق ها مأموریت داشتند که منافع امپراطوری را در دربار ایران حفظ کنند . البته قزاق های فرمانده نه قزاق های بدنه. مثلاً پیش از اینکه مظفرالدین شاه بمیرد به فرمانده قزاق تعلیمات کافی داده شده بود که جانشین شاه کیست و تکلیف سلطنت چیست . در مورد محمد شاه هم تکلیف روشن شده بود و نیروی قزاق هم باید در جهت همان خواسته ها وظیفه اش را انجام می داد .

چرا شما فقط اسناد و منابع را در این کتاب گردآوری کرده اید و به تحلیل رویدادهای این دوره با توجه به نقش قزاقخانه و قزاق ها نپرداخته اید؟

- سعی دارم در هیچ یک از نوشته هایم تحلیل ارائه نکنم. کودتا را به پنج روایت نوشتم و خواننده را مخیر گذاشته ام تا از بین گفته های دوستان و دشمنان کودتا نتیجه گیری کند. مثلاً کازاکوفسکی می گوید: من خدمت کردم، واقعاً هم در تاریخ قزاقخانه ، او قزاق درجه یک است اما از سوی دیگر اسنادی آوردم که نشان

می دهد کازاکوفسکی جاسوس است. در مورد کودتا هم تا این لحظه اسناد و نوشته ها از دخالت مستقیم آبرون سایید در کودتا حکایت دارد و کودتا با برنامه ریزی و پشتوانه خارجی بوده است حال اگر کسی اسناد و مدارکی دارد که این گوشه از تاریخ ایران را روشن می کند، ما هم خوشحال می شویم .

بنابراین در این کتاب تمام اسناد، روایات و نظرات را در کنار هم آورده ام البته در مورد قرارداد قزاقخانه به طور صریح اظهار نظر کردم که شاه افسران قزاق را به ایران می آورده، دوره ی مأموریت آنها سه سال است که اگر شاه تمایل داشت آنها را نگه می دارد و هر زمان نخواست می روند. وظیفه ی آنها هم فقط آموزش دادن فن سوارکاری و فنون نظامی به افسران ایرانی است اما بعد می بینیم که کازاکوفسکی در گوشت، نفت، زغال، انتظامات و همه چیز پایتخت دخالت می کند .

این نشان از بی عرضگی دستگاه و نظام بود. قزاق ها یکی از مأموریت ها و وظایفشان این بود که اطلاعات درباره ی ایران جمع آوری کنند و به ستاد ارتش قزاق بفرستند، پس این ما بودیم که گول خوردیم و یک فرمانده ی نظامی و سوارکاری آوردیم که همه کاره شد .